بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین

اللهم صل علی محمد و آل محمد

**فعال سازی تفکر**

**از طریق عطف و فصل**

**در دوره اول رشد**

**مقدمه**

کودک نیازمند شرایطی ست که قوه تفکرش فعال شود و خوب سخن گفتن و جمله سازی های کامل از نشانه های رشد تفکر در این دوره است. این فرایند با آموزش «عطف و فصل» آسان می شود. عطف یعنی پیوسته دیدن امور و فصل یعنی متمایز دیدن امور در زندگی.

به این فکر کنید که اگر کودک بتواند اتفاقات زندگی را به هم پیوسته ببیند(سخنان دنباله دار و سریالی) و برخی را هم از هم مجزا ببیند(تفاوت مسافرت ها و حادثه ها را بیان کند) چقدر زیبا می تواند سخن وری کند. این سخن وری سرآغاز تولد و رشد تفکر اوست.

حرف زدن کودک یک حرف زدن ساده نیست، بلکه نشان دهنده ی زمینه ای ست که در آن رشد کرده.

توجه به مفهوم پیوستگی به مجموعه مطالبی ست که والدین بعد از تولد کودک از طریق کلام و رفتار به او منتقل می کنند مثلا مادر و پدر همیشه به بچه محبت می کنند و از او حمایت می کنند اما این پیوستگی در موقعیت های مختلف شکل هایش متمایز است، مثلا محبت به فرزند در خانه همراه با بغل کردن و بوسیدن های مکرر است اما این محبت در خیابان یا معابر عمومی شکلش در مراقبت از کودک و گرفتن دست اوست.

**مقطع اول:**

کودک در این مقطع پیوستگی و تمایز را به صورت درونی آموزش پذیر است و می توان در این دوره بذر افشانی های خوبی انجام داد.

آموزش پذیری در این دوره به معنای این است که اگر کار خوبی را ببیند می تواند از آن الگوبرداری نماید.

کودک این مفهوم را در رفتار و گفتار سازنده والدین می شناسد به همین دلیل آنها باید مقصد مشخصی در زندگی داشته باشند و پیوسته به آن رجوع کنند و کودک این را متوجه می شود. همیشه احترام گذاشتن والدین به یکدیگر، همیشگی تلاش برای داشتن زندگی مطلوب و خداپسندانه و ... برای آموزش پذیر بودن کودک بسیار مهم است.

**مقطع دوم:**

کودک در این مقطع تمایل دارد که بر کارهایی تمرکز کند که قبلا آن را انجام داده و بتواند کارهای جدیدی را در موقعیت های دیگر تولید کند و در کارهایی که باب میلش است به الگوپذیری مطلوب بپردازد.

تکرار حرف های قدیمی تر و بازسازی جدید آنها و تکمیل معانی آن از جمله وظایف والدین در این خصوص می باشد. این کار بدون سرزنش و به عنوان تثبیت جملات و کلام درست انجام می شود.

به همین خاطر میل کودک به قصه شنیدن و ایجاد تغییر در آن زیاد است و این ها حین گفتگو به کودک منتقل می شود

**مقطع سوم:**

کودک در این مقطع می تواند روابط بین جملات و فعل ها را در مورد بیان مطلبی مشخص کشف کند. بیان کلام های طولانی و مرتبط به هم (پراکنده نیستند) از نشانه های این مقطع است.

والدین در این مقطع به کودک کمک می کنند تا ارتباط وقایع و رخدادها را بشناسد و قوای فکری او فعال شود، میل به قصه گویی در کودک فعال است و نیاز به تقویت دارد.

در کارهایش به درستی استدلال می کند

و راه های دستیابی به کارهای خوبی که می خواهد انجام دهد را بیان می کند

و می تواند با شناخت زمان ها و مکان ها، کارهایی را که به هر یک مربوط است انجام دهد.

والدین برای تقویت قوای عطف و فصل(پیوستگی و تمایز) در این مقطع می توانند از موقعیت های مختلف مناسبتی استفاده کنند و با ارتباط دادن رفتارهایی که در قبال کودکان خود دارند با زمان و مکان قدرت تمایز را در آنها تقویت کنند.

در همین راستا توجه به ایام و مناسبت های معنوی و اهتمام به گرامی داشتن آنها، قدرت متمایز بودن و تنوع عمل را در زندگی کودک به وجود آورده و او را به تفکر وادار می کند.

همچنین حضور در مشاهد مشرفه و مکان های مقدس می تواند این تمایز را رقم زده و نوع فعالیت های کودک در آن مکان ها را متمایز و متنوع می کند.

**مقطع چهارم:**

کودک در این مقطع می تواند به طور کامل صحبت کند، و دیگران را در رابطه با مقصد مشخصی متقاعد کند و از تجربیات قبلی برای متقاعد کردن دیگران استفاده کند.

نیز می تواند مقصد و سرانجام کارهایی که می خواهد انجام دهد را به طور واضح مشخص و بیان کند، والدین در این زمینه لازم است به کودک در این زمینه کمک کنند.

تمایل به مشورت در کارهایی که برایش پیش می آید (در مقابل خودسری در انجام کارها)

مقاومت داشتن در مواجهه با مشکلات (در مقابل بی صبری در مواجهه با مشکلات و سختی ها: درحد خود، مثلا در بازی ها و شکست های در آن و ...)

انجام کارهای خوب متفاوت و جذاب برای دیگران (در مقابل انجام دادن کارهای بد متفاوت)

داشتن ایام و مناسبت های الهی از ویژگی های کودک در این مقطع است.